

## بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق؛ فعالیت‌ها و دستاوردها

مهدی ذاکریان<sup>۱</sup>  
مهدی آقاعلیخانی<sup>۲</sup>

**چکیده:** جنگ در قلمرو یوگسلاوی سابق علیه مسلمانان بوسنی به عنوان بزرگ‌ترین جنگ در اروپا پس از جنگ جهانی دوم منجر به ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق از سوی شورای امنیت سازمان ملل شد. ایجاد این دادگاه موقت که فعالیت آن از سال ۱۹۹۳ آغاز و تا به امروز نیز ادامه دارد پیامدهای مهمی بر حقوق بین‌الملل کیفری داشته است. فعالیت‌های این دادگاه علاوه بر طرح مفاهیم جدید و توسعه در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفاهیمی مانند جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، تجربه‌ای برای تشکیل دادگاه‌های موقت کیفری دیگر و تسریع در شکل‌گیری دیوان بین‌المللی کیفری گردید. این مقاله بر آن است به بررسی چگونگی شکل‌گیری دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، ساختار و اقدامات آن با توجه به اصلاحات اساسنامه و تحولات جدید دادگاه پرداخته و تأثیرات این دادگاه را بر حقوق بین‌الملل کیفری و دیوان بین‌المللی کیفری مورد مطالعه قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، حقوق بین‌الملل کیفری، دیوان بین‌المللی کیفری، جنگ بوسنی، سازمان ملل متحد و حقوق بشردوستانه بین‌المللی.

---

۱. دکتر مهدی ذاکریان، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه روابط بین‌الملل

۲. آقای مهدی آقاعلیخانی، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم سیاسی  
Alikhanmail@yahoo.com

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها در ایجاد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی علاوه بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی حفظ حقوق و کرامت انسان بوده است. در کنار این موضوع کشورها به انعقاد معاهداتی در جهت محدود کردن و قاعده‌مند کردن جنگ با هدف حمایت از انسان‌ها پرداختند. اما ناکامی این معاهدات، نقص در قواعد و عدم وجود ضمانت اجرا برای آن‌ها، در کنار وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در اوایل و میانه قرن بیستم و تعداد بی‌شماری از منازعات داخلی و بین‌المللی موجب شد تا اندیشه پیگیری مسئولیت کیفری رهبران جنگ طلب و ناقضان حقوق بشردوستانه بین‌المللی<sup>۱</sup> در قالب معاهدات میان کشورها و نیز اقدام از طریق سازمان ملل متحد جنبه عملی یابد. البته سازمان ملل به طور مستقیم در ایجاد دادگاه نورنبرگ نقش نداشت.

در زمانی که مؤسسان سازمان ملل در حال مذاکره برای تأسیس سازمان و تدوین منشور آن بودند، کنفرانس دیگری در لندن در جریان بود که منجر به ایجاد یک دادگاه نظامی بین‌المللی<sup>۲</sup> شد (Schabas, 2006: 3). تشکیل دادگاه نظامی نورنبرگ و سپس توکیو پس از جنگ جهانی دوم نوید اجرای عدالت برای مرتکبان جرایم علیه بشریت را می‌داد. اما این اقدامات مانع از تداوم نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نشد. برای چند سال سازمان ملل در پی ایجاد یک دادگاه کیفری بین‌المللی از طریق قرارداد میان کشورها بود. اقدامات سازمان ملل از چند طریق دنبال شد، یک اقدام تصویب معاهداتی چون کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی<sup>۳</sup> ۹ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی بود و دیگری درخواست مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بین‌الملل<sup>۴</sup> (۱۹۴۸) برای بررسی امکان تأسیس یک دیوان بین‌المللی کیفری دائمی. اوایل دهه ۵۰ کمیسیون حقوق بین‌الملل برای تأسیس دیوان دو پیش‌نویس ارائه کرد؛ اما برای بیش از سه دهه این موضوع متوقف ماند.

"در سال ۱۹۸۹ نمایندگان کشور ترینیداد و توباگو اندیشه تأسیس چنین دیوانی را با طرح تأسیس یک ارگان قضایی در سطح جهان که مسئول رسیدگی به جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر باشد زنده نمودند" (آل‌حبیب، ۱۳۷۸: ۳۴۵). اما فجایع گسترده انسانی در بوسنی و هرزگووین در آغاز دهه ۹۰ میلادی و در قلب اروپا موجب شد تا توجه جهانیان بیش از هر زمان دیگری به این موضوع جلب شود. در این زمان

1. International Humanitarian Law

2. International Military Tribunal

3. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide

4. International Law Commission

برخی مجامع بین‌المللی به طرح پیشنهاد تشکیل دادگاه برای محاکمه جنایت‌کاران جنگی در یوگسلاوی پرداختند و شورای امنیت نیز در اکتبر ۱۹۹۲ تشکیل یک کمیسیون کارشناسان برای بررسی نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی در قلمرو یوگسلاوی سابق را تصویب کرد که در نهایت منجر به تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق<sup>۱</sup> شد.

از سوی دیگر، شدت جنایات ارتكابی در بوسنی به حدی بود که به تلاش‌ها برای ایجاد یک دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۲</sup> مستقل و دائمی نیز سرعت داد. تا جایی که مجمع عمومی در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲ از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواست تا پیش‌نویس اساسنامه دیوان را تا سال ۱۹۹۴ ارائه کند و نهایتاً در جریان اجلاس رم در سال ۱۹۹۸ اساسنامه این دیوان به امضای کشورهای شرکت‌کننده رسید.

این مقاله بر آن است به بررسی چگونگی شکل‌گیری دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، ساختار و اقدامات آن پرداخته و تاثیرات این دادگاه را بر حقوق بین‌الملل کیفری به‌ویژه ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری مورد مطالعه قرار دهد. اهمیت این موضوع در آن است که به‌رغم تأسیس دادگاه از سوی شورای امنیت در سال ۱۹۹۳ و انتشار برخی مقالات در آن زمان، اساسنامه دادگاه چندین بار اصلاح شده و در نتیجه ساختار و ترکیب دادگاه و نیز صلاحیت‌های آن افزایش یافته است. ضمن آن که این مقاله مباحث مرتبط با ایران در این دادگاه که از سال ۲۰۱۰ مطرح شده را نیز مورد توجه قرار داده است.

در این مقاله پس از مروری بر جنگ در قلمرو یوگسلاوی سابق به اقدامات و راهکارهای نهادها و کنفرانس‌های بین‌المللی در خصوص جنایات ارتكابی به‌ویژه تشکیل دادگاه پرداخته می‌شود. سپس مبنای حقوقی تشکیل دادگاه، شکل‌گیری اساسنامه و صلاحیت‌های ذاتی، شخصی، زمانی و قلمرو دادگاه بررسی و ارتباط آن با دادگاه‌های داخلی تبیین می‌شود. در ادامه ارکان و ساختار دادگاه معرفی می‌شوند.

بررسی فرآیند رسیدگی دادگاه، مسائل اداری و اقدامات و عملکرد دادگاه بخش دیگری از این مقاله است. ضمن آن که در هر بخش پیامدها و آثار حقوقی ایجاد و فعالیت دادگاه از جنبه‌های مختلف تجزیه و تحلیل شده و سپس نتیجه مقاله ارائه خواهد شد.

1. ICTY : International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia

2. ICC: International Criminal Court

## ۱. جنگ در بوسنی و اقدامات نهادهای بین‌المللی

جمهوری سوسیالیستی یوگسلاوی سابق براساس فضای خاص حاکم بر روابط بین‌الملل توانسته بود در دوران نظام دوقطبی نژادهای مختلف اعم از کروات، صرب و بوسنیایی را با ادیان متعدد اسلام، ارتدوکس و کاتولیک گردهم آورد. اما تحولات جهانی و منطقه‌ای در دهه ۹۰ و بحران‌ها و درگیری‌های داخلی موجب اعلام استقلال اسلوونی و کرواسی در ۱۹۹۱ شد. جامعه اروپا در ژانویه ۱۹۹۲ این دو کشور را مورد شناسایی قرار داد. در فوریه ۱۹۹۲ نیز فراندوم استقلال بوسنی و هرزگوین - که با رأی موافق اکثریت همراه بود- در شرایطی برگزار شد که صرب‌های بوسنی آن را تحریم کرده بودند. با اعلام استقلال کشور بوسنی و هرزگووین در ۶ مارس ۱۹۹۲ جنگ میان صرب‌ها با مسلمانان و کروات‌ها آغاز شد. این در حالی بود که جامعه اروپایی یک روز پس از آن و ایالات متحده اندکی بعد، استقلال بوسنی را به رسمیت شناختند و این کشور با توصیه مورخ ۲۰ می شورای امنیت سازمان ملل و با تصویب مجمع عمومی در ۲۲ می به عضویت سازمان ملل متحد در آمد (Hoogh, 2001: 258-259). جنایات ارتكابی گسترده در بوسنی موجب جلب توجه افکار عمومی اروپا و جهان به این موضوع شد، چرا که این جنگ نخستین و بزرگ‌ترین جنگ در اروپا پس از جنگ جهانی دوم بود و واکنش به آن طبیعتاً حساسیتی بیشتر از جنگ در سایر نقاط جهان را برمی‌انگیخت. از آنجا که این مقاله درصدد بررسی چگونگی شکل‌گیری و پیامدهای فعالیت دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق است به دیدگاه‌های انتقادی درخصوص نحوه مواجهه سازمان ملل و شورای امنیت با جنایات ارتكابی در بوسنی و یا تشکیل دادگاه ناشی از عدم اجماع برای اقدام نظامی شورا در یوگسلاوی سابق پرداخته نمی‌شود. چرا که تصمیمات سازمان و شورا در قبال جنایات ارتكابی به‌ویژه در قبال مسلمانان بوسنیایی اقدامات کمکی و ترمیمی بود.

به بیان دیگر، می‌توان تشکیل این دادگاه را ایجاد سازوکاری در جهت تحقق عدالت انتقالی<sup>۱</sup> دانست. چرا که یکی از انگیزه‌های اصلی عدالت انتقالی استقرار صلحی پایدار برای آرامش مردم یک کشور یا منطقه است. از دیگر اهداف مهم عدالت انتقالی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مشخص کردن نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، بررسی و تبیین جرایم، شناسایی مسئولین و مرتکبان و مجازات آنان، تخصیص غرامت به قربانیان، ممانعت از تکرار جرایم رخ داده، بازسازی و ترمیم روابط میان شهروندان و تشویق و ترغیب به

سازش و همزیستی در سطح فردی و ملی (ذاکریان، ۱۳۸۵: ۱۲۳). از این رو می‌توان در ارزیابی اقدامات و تأثیرات دادگاه از شاخص‌های عدالت انتقالی بهره گرفت. اما در ابتدا واکنش نهادها و کنفرانس‌های بین‌المللی نسبت به وقایع یوگسلاوی سابق و تأثیر آن بر تصمیم شورای امنیت برای تشکیل دادگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۱-۱. شورای امنیت سازمان ملل

از زمان آغاز جنگ در قلمرو یوگسلاوی سابق شورای امنیت بالغ بر ۶۰ قطعنامه صادر کرد. شورا در نخستین قطعنامه در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱ تداوم وضعیت جاری را تهدید نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد و خواهان اعمال ماده ۴۱ برای تحریم یوگسلاوی می‌شود (S/RES/713). همچنین، شورای امنیت در قطعنامه دیگری در ۱۳ اوت ۱۹۹۲ خواهان رعایت حقوق انسانی از سوی کلیه طرف‌های درگیر می‌شود. شورا پاکسازی نژادی<sup>۱</sup> را محکوم و از دبیرکل، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهد تا در خصوص نقض حقوق بشر در قلمرو یوگسلاوی سابق به شورا گزارش دهند (S/RES/771).

با گسترش درگیری‌ها و انعکاس جنایات ارتكابی در بوسنی و فشار افکار عمومی و مجامع بین‌المللی، شورای امنیت در ۶ اکتبر ۱۹۹۲ قطعنامه جدیدی صادر و از دبیرکل سازمان می‌خواهد تا یک کمیسیون از کارشناسان<sup>۲</sup> تشکیل دهد و به بررسی نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله به نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو<sup>۳</sup> در قلمرو یوگسلاوی سابق بپردازد (S/RES/780). به دنبال بازداشت گسترده و هتک حرمت سازمان‌یافته زنان به‌ویژه زنان مسلمان در طول جنگ در بوسنی و هرزگووین، شورای امنیت در قطعنامه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ تجاوز به زنان را محکوم کرد و خواهان تعطیلی سریع کلیه بازداشتگاه‌ها به‌ویژه بازداشتگاه‌های زنان شد (S/RES/798). با ارائه گزارش کمیسیون حقوق بشر دال بر نقض گسترده حقوق بشردوستانه در بوسنی و گزارش مشابه کمیسیون کارشناسان<sup>۴</sup>، شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ نقض فاحش و همه‌جانبه حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست و تصمیم گرفت تا برای محاکمه جنایت‌کاران

1. Ethnic Cleansing
2. Commission of Experts
3. Geneva Conventions

۴. کمیسیون کارشناسان براساس قطعنامه شماره ۷۸۰ شورای امنیت تشکیل شد تا به بررسی نقض جدی حقوق بشردوستانه در قلمرو یوگسلاوی سابق بپردازد. توضیح بیشتر در قسمت ۴-۱ ارائه شده است.

جنگی در یوگسلاوی سابق یک دادگاه بین‌المللی تأسیس شود (S/RES/808). در نهایت شورای امنیت در ۲۵ می ۱۹۹۳ با توجه به گزارش‌ها مبنی بر نقض گسترده و آشکار حقوق بشردوستانه در قلمرو یوگسلاوی سابق به‌ویژه بوسنی و هرزگوین شامل کشتار جمعی، بازداشت و تجاوز سازمان‌یافته و سیستماتیک به زنان، پاکسازی نژادی و... پیشنهاد پطروس غالی دبیرکل سازمان ملل برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی را تصویب کرد (S/RES/827) و براساس فصل هفتم منشور رأی به تشکیل دادگاه بین‌المللی داد.

به این موضوع نیز باید اشاره کرد که پس از آغاز و فعالیت دادگاه، صلاحیت و فعالیت‌های آن از سوی شورای امنیت گسترش یافت. یعنی در حالی که در آغاز قرار بود دادگاه جنایات ارتكابی میان سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ را مورد رسیدگی قرار دهد، جنایات ارتكابی در جنگ کوزوو که از ۱۹۹۸ میان نیروهای صربستان و ارتش آزادی بخش کوزوو آغاز شد نیز تحت صلاحیت دادگاه قرار گرفت. بر این اساس شورای امنیت در قطعنامه شماره ۱۲۴۴ مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۹۹ درخصوص وضعیت کوزوو خواهان همکاری در این موضوع با دادگاه شد.

صدور کیفرخواست علیه اسلوبودان میلوسویچ رئیس‌جمهور سابق صربستان و جمهوری فدرال یوگسلاوی از سوی دادگاه بین‌المللی در آوریل ۲۰۰۱ و چهار نفر دیگر برای ارتكاب جنایات علیه بشریت علیه جمعیت غیرنظامی آلبانی‌تبار (سازمان ملل متحد در دنیای امروز: ۱۲۳) به این موضوع بازمی‌گشت. هر چند در کیفرخواست نهایی او، جنایات رخ داده در بوسنی و کرواسی نیز به اتهاماتش افزوده شد.

## ۲-۱. مجمع عمومی سازمان ملل

مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس‌های چهل و هفتم و چهل و هشتم خود به موضوع بوسنی و هرزگوین پرداخت و در قطعنامه‌هایی که قدرت‌الزام‌آور نداشت به محکوم کردن فجایع انسانی در بوسنی اقدام کرد. مجمع عمومی همچنین در دسامبر ۱۹۹۲ با محکوم کردن پاکسازی نژادی در قلمرو یوگسلاوی سابق بر لزوم پیگیری مسئولیت کیفری مرتکبان تأکید و لزوم اجرای عدالت در باره آنان را خواستار شد. مجمع عمومی همچنین از شورای امنیت خواست تا پس از تکمیل گزارش کمیسیون کارشناسان یک دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی موقت<sup>۱</sup> برای مجازات مرتکبان آن در جمهوری بوسنی و هرزگوین ایجاد کند (Schabas, 2006: 18).

1. ad hoc international war crimes tribunal

### ۳-۱. کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل<sup>۱</sup> در اوت ۱۹۹۲ نخستین اجلاس ویژه خود را درباره یوگسلاوی سابق برگزار کرد. نتیجه این اجلاس قطعنامه‌ای تحت عنوان وضعیت حقوق بشر در یوگسلاوی سابق بود که با اجماع به تصویب رسید. در این قطعنامه ضمن محکوم کردن نقض حقوق بشر توسط صرب‌ها و کروات‌ها در بوسنی و هرزگووین، خواسته شد تا یک گزارشگر ویژه جهت تحقیق و بررسی وضعیت حقوق بشر در یوگسلاوی سابق به ویژه بوسنی تعیین شود و گزارش او به اجلاس چهل و هفتم مجمع عمومی و اجلاس آتی کمیسیون حقوق بشر ارائه گردد. همچنین، از گزارشگر ویژه خواسته شد تا به جمع‌آوری اطلاعات در خصوص نقض حقوق بشر در این منطقه بپردازد، از جمله مواردی که به‌عنوان جنایات جنگی شناخته شده تا به دبیرکل به‌منظور استفاده احتمالی در آینده برای پیگیری ناقضین حقوق بشر ارائه شود (آسایش و آقارزی، ۱۳۷۶: ۲۹۸).

تادویس مازوویسکی، نخست‌وزیر سابق لهستان گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در گزارش خود تأکید کرد که شواهد جدی برای جنایات جنگی و نقض گسترده و مستمر حقوق بشر در قلمرو یوگسلاوی سابق به‌ویژه بوسنی و هرزگووین در جریان است. او در گزارش خود تأکید کرد تا با پیگیری عاملان نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، در آینده چنین وقایعی رخ ندهد. کمیسیون حقوق بشر در دومین نشست خود در نوامبر ۱۹۹۲ بر اعلامیه قبلی خویش تأکید کرد.

### ۴-۱. کمیسیون کارشناسان

گسترش و نقض مداوم حقوق بشردوستانه در جنگ بوسنی باعث شد تا شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۷۸۰ مورخ اکتبر ۱۹۹۲ از دبیرکل سازمان ملل بخواهد تا کمیسیونی از کارشناسان برای بررسی نقض جدی حقوق بشردوستانه شامل نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو در قلمرو یوگسلاوی سابق تشکیل دهد. در این قطعنامه از دولت‌ها، سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای درخواست شد تا طی یک مدت ۳۰ روزه گزارش‌های خود پیرامون نقض حقوق بشر در این منطقه را تسلیم کمیسیون کنند. فریتس کالسون ریاست این کمیسیون پنج نفره را که هدف آن آماده‌سازی مقدمات برای تشکیل دادگاه بین‌المللی بود بر عهده گرفت (گوتمان، ۱۳۷۳: ۲۰۰). او که خود شخصاً به تشکیل دادگاه خوشبین نبود در گزارش خود به شورای امنیت بر نقض جدی قوانین بین‌المللی در یوگسلاوی سابق تأکید کرد.

1. UN Human Rights Commission

کمیسیون پیشنهاد کرد یک دادگاه بین‌المللی موقت برای رسیدگی به این جنایات ایجاد شود (7: Bidsall, 2006). پس از ارائه گزارش کمیسیون به شورای امنیت بود که این شورا طی قطعنامه شماره ۸۰۸ تصمیم به ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری گرفت.

### ۵-۱. سایر راهکارهای بین‌المللی

از جمله نهادهای بین‌المللی که درخصوص جنگ بوسنی واکنش نشان دادند سازمان عفو بین‌الملل<sup>۱</sup> بود. این سازمان در گزارش خود جنایات صرب‌ها علیه مسلمانان به‌ویژه هتک حرمت زنان و دختران را مورد توجه قرار داد. سازمان کنفرانس اسلامی نیز در ششمین اجلاس سران در داکار ضمن محکوم کردن اقدامات صرب‌ها بر ضرورت شناسایی و محاکمه عاملین جنایات علیه بشریت و تشکیل سریع یک دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایات تأکید کرد (آسایش و آقارزی، ۱۳۷۶: ۴۱۵).

درخصوص سازمان کنفرانس اسلامی می‌توان به نقش ایران نیز اشاره کرد که به‌عنوان یکی از نخستین کشورهای بوسنی که استقلال بوسنی و هرزگوین را به رسمیت شناخته بود با آغاز جنگ جنایات رخ داده را محکوم و برای ارسال کمک و حمایت سیاسی از بوسنی اعلام آمادگی کرد. عمده فعالیت ایران از طریق سازمان ملل، جنبش عدم تعهد و به‌ویژه در قالب سازمان کنفرانس اسلامی دنبال شد.

از دیگر اقدامات بین‌المللی در واکنش به جنگ در قلمرو یوگسلاوی سابق، کنفرانس لندن<sup>۲</sup> در ۲۶ اوت ۱۹۹۲ بود که به ابتکار سازمان ملل و جامعه اروپا تشکیل شد. در کنفرانس لندن تصمیم‌های ویژه‌ای در مورد بحران بوسنی اتخاذ شد. در این کنفرانس وزیر امور خارجه آلمان خواهان ایجاد یک دادگاه جنایی شد و این پیشنهاد با حمایت وزیر امور خارجه فرانسه همراه شد (Schabas, 2006: 14). در نهایت در ماده ۸ اعلامیه پایانی اجلاس بر انجام تدابیری برای تأسیس دادگاه محاکمه جنایت‌کاران جنگی تأکید شد.

هدف از پرداختن به اقدامات و راهکارهای نهادهای بین‌المللی درخصوص جنگ بوسنی مرور وقایعی بود که در نهایت منجر به تشکیل اولین دادگاه بین‌المللی کیفری (برای یوگسلاوی سابق) پس از جنگ جهانی دوم و دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو شد. دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو توسط فاتحان جنگ و در دوران پایان جنگ خانمانسوز جهانی دوم ایجاد شد، اما دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق توسط شورای امنیت و پس از اقدامات مختلف نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفت. بحث

1. Amnesty International  
2. International Conference on the former Yugoslavia



در خصوص مبنای حقوقی شکل‌گیری این دادگاه که از این پس ICTY خوانده می‌شود، همچنان مورد بحث حقوق‌دانان است.

## ۲. مبنای حقوقی تشکیل دادگاه

تشکیل ICTY از سوی شورای امنیت یک اقدام بی‌سابقه بود. چرا که در هیچ کجای منشور سازمان ملل چنین اختیاری برای شورا در نظر گرفته نشده است. از این‌رو، زمانی که کمیسیون کارشناسان و دیگر نهادهای بین‌المللی موضوع تأسیس یک دادگاه بین‌المللی را مطرح کردند دو نگاه در این باره از سوی حقوق‌دانان مطرح شد.

یک دسته از حقوق‌دانان با استناد به نحوه تشکیل دادگاه نظامی نورنبرگ معتقد بودند برای تأسیس دادگاه یوگسلاوی باید از طریق یک معاهده اقدام کرد. در مقابل دسته‌ای دیگر با اشاره به نحوه تشکیل دادگاه توکیو که با تصمیم یک‌جانبه فرمانده کل نیروهای اشغالی ژاپن شکل گرفت، اعتقاد داشتند شورای امنیت می‌تواند به نمایندگی از طرف جامعه بین‌المللی و با استناد به فصل هفتم منشور مبادرت به تأسیس دادگاه کند و مزیت این اقدام نه تنها سرعت عمل در تشکیل آن بلکه الزام دولت‌ها در قبول صلاحیت و آرای صادره دادگاه می‌باشد (ممتاز، ۱۳۷۷: ۳۹۵).

دبیرکل سازمان ملل نیز به دیدگاه دوم اعتقاد داشت. او معتقد بود ایجاد یک دادگاه بین‌المللی مبتنی بر معاهده وقت‌گیر است و بیم آن می‌رود اساساً دولت‌های متخاصم از عضویت در چنین معاهده‌ای استنکاف کنند. او در پیشنهاد خود به شورای امنیت توصیه کرد شورا براساس اختیارات فصل هفتم برای اتخاذ تدابیر لازم جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی رأساً دادگاه بین‌المللی تشکیل دهد (گرین وود، ۷۴-۱۳۷۳: ۳۶۷).

استناد شورای امنیت به فصل هفتم مستلزم این بود که شورا وقایع رخ داده در قلمرو یوگسلاوی سابق را طبق ماده ۳۹ منشور "تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز" احراز و سپس براساس آن توصیه‌هایی ارائه و یا تصمیم بگیرد که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود. با پایان جنگ سرد، شورای امنیت فصلی نوین از فعالیت‌های خود را آغاز کرده بود. براساس تغییرات رخ داده در عرصه بین‌المللی از این پس صلح و امنیت دیگر تنها به معنای در میان نبودن رویارویی نظامی قلمداد نمی‌شد، بلکه، صلح و امنیت جامعه بین‌المللی تحت تأثیر مصالح عام بشریت و واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله موضوعاتی چون حقوق بشر، آوارگان، ارسال و توزیع کمک‌های انسان‌دوستانه، فقر،

مسائل زیست‌محیطی و... مورد توجه قرار گرفت. از این‌رو گستره مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی به رعایت حقوق بشر و حمایت از آن گسترش یافت (ذاکریان، ۱۳۸۱: ۱۱۱). همان‌گونه که در بند ۱-۱ اشاره شد، شورای امنیت در چند قطعنامه نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی را مورد اشاره قرار داده بود. بر این اساس شورا با احراز تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به واسطه نقض فاحش حقوق بشردوستانه (قطعنامه ۸۰۸) براساس ماده ۳۹ برای "اعاده صلح و امنیت بین‌المللی" به ماده ۴۱ متوسل می‌شود و با تفسیر موسع از منشور "تصمیم می‌گیرد که برای اجرای تصمیمات شورا مبادرت به اقداماتی که متضمن به‌کارگیری نیروی مسلح نباشد" یعنی تأسیس یک دادگاه بین‌المللی کند (قطعنامه ۸۲۷). در این قطعنامه شورا به صراحت تشکیل دادگاه و محاکمه ناقضین حقوق بشردوستانه را راهی در جهت دستیابی به هدف اعاده و تأمین صلح می‌داند و تصمیم می‌گیرد در راستای تأمین این هدف همه کشورها باید به‌طور کامل با دادگاه و ارگان‌های آن همکاری کنند.

جایگاه دادگاه نزد شورا طبق ماده ۲۹ منشور روشن می‌شود: "شورای امنیت می‌تواند آن گونه از ارکان فرعی<sup>۱</sup> را که برای انجام وظایف خود لازم بداند تأسیس نماید". بر این اساس شورا برای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اقدام به تأسیس یک دادگاه بین‌المللی به عنوان رکن فرعی اما مستقل از نظر قضایی می‌کند. به همین دلیل محل بودجه آن نیز بودجه عادی سازمان ملل متحد تعیین می‌شود. تصمیمات دادگاه نیز به عنوان رکن فرعی شورا برای همه دولت‌ها لازم‌الاجرا خواهد بود، چرا که ماده ۲۵ منشور تأکید دارد: "اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را برطبق این منشور قبول و اجرا نمایند."

از این‌رو می‌توان جایگاه حقوقی دادگاه را مبتنی بر مواد ۲۵، ۲۹، ۳۹ و ۴۱ منشور تبیین نمود ضمن آن که تکالیف و تعهدات کشورها مطابق بندهای ۲ (پذیرش تعهدات منشور)، ۵ (مساعدت به سازمان طبق منشور) و ۷ (استثنای مداخله در صلاحیت داخلی کشورها براساس فصل هفتم) ماده ۲ منشور سازمان ملل در قبال این دادگاه مشخص است.

به علاوه، درخصوص استقلال قضایی دادگاه در مقابل شورای امنیت به عنوان رکن فرعی می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد دادگاه اداری سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> در مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۴ اشاره کرد که دیوان به‌رغم آن که این دادگاه را

1. Subsidiary Organs  
2. Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal

ایجاد شده از سوی مجمع عمومی می‌داند، تأکید می‌کند در زمان فعالیت آن، دادگاه اداری به عنوان یک مقام مستقل قضایی قلمداد می‌شود که همه ارکان سازمان ملل باید از آرای آن تبعیت کنند.

درخصوص جایگاه حقوقی و صلاحیت ICTY علاوه بر مواد منشور می‌توان به احراز صلاحیت دادگاه توسط خود نیز اشاره کرد. پس از تأسیس دادگاه حکومت یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) به انتقاد از این اقدام پرداخت و اعلام کرد اتهامات و جرایم رخ داده باید در دادگاه داخلی و توسط قوانین ملی که در هماهنگی با قوانین بین‌المللی است مورد رسیدگی قرار گیرد.

یوگسلاوی اقدام شورای امنیت را "خارج از حدود اختیارات قانونی"<sup>۱</sup> خود دانست (Bridsall, 2006: 11). دوسکو تادیچ یکی از متهمان به جرایم بی‌شمار علیه حقوق بشر، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و قوانین و رسوم جنگ که مباحث مربوط به محاکمه و رأی او به مبنایی در حقوق بین‌الملل تبدیل شد<sup>۲</sup> نیز صلاحیت ICTY را از جهت تقدم آن بر دادگاه ملی و هم به عنوان اقدامی فراتر از اختیارات شورای امنیت زیر سوال برد. وکلای او نیز گفتند ICTY به جای تأسیس از طریق قطعنامه شورای امنیت باید براساس یک قرارداد یا از طریق اصلاح منشور ایجاد می‌شد، از این رو این دادگاه مبنای قانونی ندارد.

آنان همچنین برتری ICTY بر دادگاه ملی را ذاتاً اشتباه خواندند. اما ICTY در رأی خود اعلام کرد: ایجاد دادگاه براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل و در راستای حقوق بشردوستانه بین‌المللی صورت گرفته است.

در این رأی عنوان شد شورای امنیت وقایع یوگسلاوی را نقض حقوق بشردوستانه و تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته، از این رو عمل شورا طبق ماده ۳۹ منشور قانونی بوده است (Schabas, 2006: 13-15).

آنتونی کاسه‌سه که سابقه ریاست بر ICTY را دارد در بیان تأثیر این اقدام شورای امنیت بر تدوین اساسنامه و شکل‌گیری ICC می‌نویسد؛ در نظر گرفتن این حق برای شورای امنیت در ماده ۱۳ اساسنامه ICC برای ارجاع یک موضوع به دیوان ابزاری است که براساس نحوه تشکیل دادگاه یوگسلاوی و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا<sup>۳</sup> ایجاد شده تا شورای امنیت بتواند در جایی که کشوری صلاحیت ICC را نپذیرفته، امکان مداخله داشته باشد (Cassese, 1999: 161). از این رو اقدام شورای

---

1. Ultra Vires  
2. Tadic Case  
3. ICTR : International Criminal Tribunal for Rwanda

امنیت در تأسیس این دادگاه و موارد مشابه خود به عاملی در تثبیت نقش شورا در ساختار دیوان بین‌المللی کیفری منجر شد.

### ۳. اساسنامه دادگاه

برای تهیه اساسنامه دادگاه پیشنهادات و طرح‌هایی از جانب گروهی از حقوق‌دانان فرانسوی، کشورهای ایتالیا، برزیل، کانادا، مکزیک، هلند، روسیه، اسلوانی، آمریکا و سازمان کنفرانس اسلامی ارائه شد. سازمان عفو بین‌الملل، کمیته حقوق‌دانان برای حقوق بشر<sup>۱</sup> (Schabas, 2006: 22) و سوئد به عنوان ریاست وقت کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در این رابطه فعالیت کردند و پیشنهادات در دبیرخانه سازمان ملل مورد بررسی قرار گرفت.

در نهایت، شورای امنیت در قطعنامه ۸۲۷ مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳ گزارش دبیرکل شامل پیشنهادات او برای اساسنامه را پذیرفت. اساسنامه ICTY در تدوین نهایی اساسنامه ICC نیز اثر گذار بود. قابل ذکر است اساسنامه دادگاه پس از تصویب توسط شورای امنیت در سال ۱۹۹۳، تاکنون در چند مرحله طبق قطعنامه‌های این شورا اصلاح شده است.

### ۴. صلاحیت‌های دادگاه

#### ۴-۱. صلاحیت ذاتی یا موضوعی دادگاه

شورای امنیت در قطعنامه‌های خود به نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های چهارم ژنو اشاره کرده بود. ماده ۱ اساسنامه نیز این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس شورای امنیت و اساسنامه دادگاه، منازعه در سرزمین یوگسلاوی سابق را بین‌المللی دانسته از این‌رو چهار دسته از قواعد بین‌المللی در چارچوب صلاحیت دادگاه قرار می‌گیرد، که شامل:

نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو<sup>۲</sup> (ماده ۲ اساسنامه)، نقض قوانین و رسوم جنگ<sup>۳</sup> (ماده ۳ اساسنامه)، نسل‌کشی<sup>۴</sup> (ماده ۴ اساسنامه) و جنایات علیه بشریت<sup>۵</sup> (ماده ۵ اساسنامه) می‌باشد.

1. Lawyers Committee for Human Rights
2. Grave breaches of the Geneva Conventions of 1949
3. Violations of the Laws or Customs of War
4. Genocide
5. Crimes against Humanity

#### ۱-۴-۱. جرایم پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو

کشتار عمدی، شکنجه، توقیف و انتقال غیرقانونی، محروم کردن اسیران جنگی یا غیرنظامیان از حق برخورداری از محاکمه منصفانه، تخریب و مصادره اموال بدون ضرورت از حیث نظامی و... این جرایم در کنوانسیون‌های ژنو درباره اسیران جنگی و درباره غیرنظامیان آمده است.

#### ۲-۴-۱. نقض قوانین و رسوم جنگ

کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی یا هرگونه سلاح برای ایراد صدمات غیرضروری، تخریب عمدی شهرها و شهرک‌ها و روستاها و یا ویران‌سازی بدون توجیه از حیث نظامی (این بند در ماده ۶ دادگاه نظامی نورنبرگ مورد اشاره قرار گرفته بود)، حمله یا بمباران شهرها، روستاها و مناطق مسکونی بی‌دفاع (تکرار ماده ۲۵ الحاقی چهارمین کنوانسیون ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ لاهه درباره قوانین و رسوم جنگ زمینی و ماده ۸۵ پروتکل الحاقی مصوب ۱۹۷۷) و مصادره، تخریب و یا وارد کردن خسارات عمدی به بناهای مذهبی، علمی، خیریه، آثار تاریخی و هنری، غارت اموال عمومی و خصوصی (این بند نیز در ماده ۶ دادگاه نظامی نورنبرگ مورد اشاره قرار گرفته بود) (داوید، ۷۴-۱۳۷۳: ۲۰۷).

نخستین جرم مورد اشاره یعنی کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی برخلاف سایر جرایم که با جرایم حقوق کیفری بین‌المللی مطابقت داشت، با دو سند مطابقت می‌کرد: ۱. پروتکل ژنو مصوب ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ درباره منع کاربرد گازهای خفه‌کننده یا سمی و ۲. مقررات کنوانسیون پاریس ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ درباره منع سلاح‌های شیمیایی. هدف از اشاره به این موضوع بیان آن است که جرایم اخیر و نقض‌های فوق تا پیش از این جرم شناخته نشده بود چرا که پیش‌نویس جرایم علیه صلح و امنیت بشری تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل که کاربرد این سلاح‌ها را جرم می‌دانست، قوه اجرایی نیافته بود (داوید، ۷۴-۱۳۷۳: ۲۰۸).

بنابراین، گنجاندن این بند در اساسنامه ICTY تحولی بزرگ در حقوق بشردوستانه بین‌المللی قلمداد می‌شود، چرا که جرایمی در صلاحیت دادگاه قرار گرفت که پیش از آن در حقوق کیفری بین‌المللی جرم تلقی نمی‌شد.

#### ۳-۴-۱. نسل‌کشی

کشتار اعضای گروه، صدمات جدی جسمی و روانی، تحمیل عمدی شرایطی از زندگی به گروه برای از بین بردن آنان، جلوگیری از تولد در گروه، انتقال اجباری فرزندان، تحریک مستقیم و عمومی برای نسل‌کشی و... این جرایم در کنوانسیون پیشگیری و مجازات

جنایت نسل‌کشی ۹ دسامبر ۱۹۴۸ آمده است. جرایم این بند یعنی نسل‌کشی به شکل هولناکی در بوسنی و هرزگووین رخ داد. در ژوئیه ۱۹۹۵ بیش از ۷ هزار مرد و پسر مسلمان بوسنیایی به دست نیروهای ارتش صربسکا (صرب‌های بوسنی) در شهر سربرنیتسا قتل عام شدند که به عنوان بدترین قتل عام گسترده ارتكابی در اروپا پس از جنگ جهانی دوم نام گرفت و ICTY آن را به عنوان نسل‌کشی شناسایی کرد (Milanovic, 2006: 589).

#### ۴-۱-۴. جنایت علیه بشریت

قتل، برده‌کشی، اخراج، شکنجه، حبس، تجاوز، اعمال غیرانسانی، آزار به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی و... در مقایسه با اساسنامه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، جرایم شکنجه، حبس و تجاوز مختص ICTY می‌باشد.

شورای امنیت سازمان ملل هنگام تصویب اساسنامه ICTY (و همچنین دادگاه بین‌المللی برای رواندا) شکنجه را علاوه بر عنوان جنایت جنگی به عنوان جنایت علیه بشریت مشمول صلاحیت دادگاه قرار داد. تأثیر این تصمیم بر دیوان بین‌المللی کیفری به وضوح روشن است.

اساسنامه ICC مصوب ۱۹۹۸ شکنجه را با همین دو عنوان یعنی جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در داخل صلاحیت دیوان قرار می‌دهد (رنجریان، ۱۳۸۴: ۱۶۸). در بررسی مذاکرات مربوط به تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نقش و تجربه ICTY در این زمینه کتمان‌ناپذیر است، به‌ویژه آن که برخلاف موارد اختلافی میان دولت‌ها در تدوین اساسنامه ICC، موضوع شکنجه بدون مخالفت مورد پذیرش قرار گرفت.

این تأثیر تنها به ذکر این جرایم در اساسنامه دادگاه باز نمی‌گردد. چرا که به‌عنوان نمونه در دو رأی مشهور، ICTY در پرونده‌های Delalic et al مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸ و Furundzija مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸ تعاریف دقیقی از تجاوز و شکنجه و برخی دیگر از جرایم جنگی ارائه کرد (Cassese, 1999: 149). در رأی ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸، متهم Furundzija از کروات‌های بوسنی به اتهام شکنجه و تجاوز محاکمه شد. دادگاه در قالب احراز وقوع جرایم انتسابی کوشید تا اوصاف و موقعیت قاعده منع شکنجه را در حقوق بین‌الملل تبیین کند.

بر این اساس دادگاه براساس خصوصیت عرفی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اختیاری ۱۹۷۷، منع شکنجه در حقوق بین‌المللی عرفی<sup>۱</sup> را قطعی می‌داند. دادگاه مطابق مقررات بین‌المللی مرتکبان به شکنجه در هر مقام را مسئول در برابر مراجع قضایی دانسته و تأکید می‌کند، چنانچه اعمال شکنجه رویه مأموران دولت شده باشد، موجب مسئولیت دولت نیز خواهد بود. دادگاه پس از بیان این موارد اذعان می‌دارد قواعد عهدنامه‌ای و عرفی مربوط به شکنجه دارای جایگاهی برجسته در حقوق بین‌الملل و قابل مقایسه با اصولی چون منع نسل‌کشی و منع حمله مسلحانه است و به واسطه سه ویژگی مهم با سایر اصول کلی حمایت از حقوق بنیادین بشر وجه اشتراک دارند (رنجبران، ۱۳۸۴: ۱۷۵-۱۷۰).

یکم، اقدام دولت‌ها برای منع، مجازات و پیشگیری؛ دوم، منع شکنجه برای دولت‌ها در برابر دیگر اعضای جامعه بین‌المللی تعهد ایجاد می‌کند؛<sup>۲</sup> و مهم‌تر از همه جایگاهی است که دادگاه برای منع شکنجه در سلسله مراتب حقوق به عنوان قواعد آمره<sup>۳</sup> قائل است و تأکید می‌کند منع شکنجه به دلیل اهمیت ارزش‌هایی که در حمایت می‌گیرد (منع شکنجه، حق قربانی برای شکایت، جبران خسارت، مسوولیت کیفری و عدم عفو مرتکب) یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل شده است. اهمیت تاریخی و تأثیر مهم این اقدام در این بود که برای نخستین بار یک رأی قضایی بین‌المللی از یک قاعده عام حقوق بین‌الملل همچون شکنجه چنین توصیفی ارائه می‌کرد.

این وضعیت در توصیف تجاوز نیز در این دو رأی به چشم می‌خورد. علاوه بر این، برای نخستین بار در تاریخ جنایات جنگی بین‌المللی، نخستین اعلام جرم و تعقیب قضایی تنها به اتهام خشونت جنسی علیه زنان در ۲۲ فوریه ۲۰۰۱ درباره متهمان Vukovic و Kovac, Kunarac در ICTY صورت گرفت و متهمان به دلیل ارتکاب به آن در چارچوب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی گناهکار شناخته شدند (Dixon, 2002: 697). در این رأی تجاوز به عنوان یکی از ابزار ایجاد رعب و ترور معرفی شد. همچنین، برای اولین بار به بردگی گرفتن اشخاص به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت و نقض حقوق و رسوم جنگ عنوان گردید. تأثیر این آرا در توسعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل انکار نیست.

علاوه بر اثرگذاری مورد اشاره در تدوین اساسنامه ICC، دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز بعدها ماهیت آمره قاعده منع شکنجه را تأیید می‌کند و یا در رأی ۲۱ نوامبر

1. Customary International Law  
2. erga omnes  
3. Jus cogens

۲۰۰۱ خود از رأی Furundzija یاد می‌کند. دادگاه آمریکایی حقوق بشر نیز در آرا خود از استدلال‌های ICTY در خصوص مسوولان نقض شدید حقوق بشر بهره می‌گیرد. ضمن آن که علاوه بر این موارد آرای متعدد قضایی براساس آرا ICTY از سوی دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی درباره جنایات جنگی، دادگاه‌های بریتانیا در مورد احترام به مصونیت دولتی در پرونده‌های مهاجرتی، دادگاه اروپایی حقوق بشر در توسعه مفاهیم شکنجه و مفهوم تجاوز (Schabas, 2006: 45-46) و از سوی سایر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری صادر شده است.

#### ۲-۴. صلاحیت شخصی<sup>۱</sup> دادگاه

براساس مواد ۶ و ۷ اساسنامه صلاحیت شخصی دادگاه شامل افرادی است که در جنایات رخ داده نقش برنامه‌ریز، محرک، آمر و ارتكابی داشته‌اند. همچنین، جنایات ارتكابی مأموران باعث سلب مسئولیت کیفری مقامات ارشد آنان نمی‌شود، مشروط بر آن که مقامات برای جلوگیری از این جنایات اقدامی انجام نداده باشند. همچنین در تحولی مهم، ICTY مصونیت سنتی سران حکومت‌ها و مقامات دولتی را در خصوص مرتکبان به جنایات در یوگسلاوی سابق رد می‌کند (Baker, 2010: 199-200). مطابق اساسنامه، سمت رسمی هیچ متهمی خواه به‌عنوان رئیس دولت یا حکومت به‌عنوان یک مقام دولتی مسئول، وی را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و سبب تخفیف مجازات وی نمی‌شود. اگر در دادگاه‌های نظامی نورنبرگ و توکیو اسیران جنگی مورد محاکمه قرار گرفتند، در ICTY بسیاری از مقامات ارشد سابق و مشغول به کار از رئیس کشور، نخست‌وزیر و... به محاکمه و شهادت فراخوانده شدند.

#### ۳-۴. صلاحیت زمانی و قلمروی دادگاه<sup>۲</sup>

براساس ماده ۱ اساسنامه ICTY، دادگاه قدرت دارد تا به اتهام افراد مسئول نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی ارتكابی در قلمرو یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ رسیدگی کند. براین اساس صلاحیت زمانی ICTY از اول ژانویه ۱۹۹۱ تا تاریخی است که شورای امنیت پس از استقرار صلح تعیین خواهد کرد و قلمرو دادگاه محدود به اعمالی است که در سرزمین یوگسلاوی سابق رخ داده است.

- 
1. Personal Jurisdiction
  2. Territorial and Temporal Jurisdiction



## ۵. ارتباط دادگاه با محاکم ملی

محاکم ملی و ICTY از صلاحیت همزمان برای رسیدگی به جرایم افراد متهم به نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در قلمرو یوگسلاوی سابق از آغاز سال ۱۹۹۱ برخوردارند. اما مطابق بند ۲ ماده ۹ اساسنامه، ICTY بر دادگاه‌های ملی اولویت و تقدم دارد و حتی می‌تواند به‌طور رسمی از دادگاه‌های ملی خواهان تسلیم صلاحیت به ICTY در هر مرحله از رسیدگی مطابق با اساسنامه حاضر شود.

اساسنامه در ماده ۱۰ همچنین به موضوع "نفی دوتعقیب قانونی به لحاظ یک جرم"<sup>۱</sup> می‌پردازد. بر این اساس هیچ متهمی پس از اعمال صلاحیت از سوی ICTY در دادگاه ملی محاکمه نخواهد شد.

اما طبق بند ۲ ماده ۱۰ اساسنامه، متهم به جنایات ارتكابی که در دادگاه ملی محاکمه شده باشد ممکن است تحت شرایطی در صلاحیت دادگاه بین‌المللی قرار گیرد: یا محاکمه به عنوان ارتكاب جرایم عادی صورت گرفته باشد و یا دادگاه ملی بی‌طرف و مستقل عمل نکرده باشد یا به عنوان سپری برای خارج کردن متهم از صلاحیت ICTY در آمده باشد.

## ۶. ساختار دادگاه

ICTY دارای سه رکن است: شعب شامل سه شعبه رسیدگی دادگاه<sup>۲</sup> و یک شعبه تجدیدنظر،<sup>۳</sup> دادستان و دبیرخانه که در خدمت شعب و دادستانی است.

### ۶-۱. شعب دادگاه و قضات

در زمان آغاز کار، دادگاه شامل ۱۱ قاضی و سه شعبه (۲ شعبه رسیدگی دادگاه و یک شعبه تجدیدنظر) بود. اما به مرور و با توجه به توسعه صلاحیت ICTY در تجدیدنظر آرای دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا و نیز گستردگی پرونده‌ها و موضوعات، تغییراتی در اساسنامه صورت گرفت.

#### ۶-۱-۱. قضات و شعب

شانزده قاضی دائمی (۱۴ قاضی مخصوص ICTY و ۲ قاضی از ICTR) در ICTY مشغول به کار هستند و نباید دو نفر از آنان از یک ملیت باشند. همچنین ۲۷ قاضی

---

1. Non-bis-in-idem  
2. Trial Chambers  
3. Appeals Chamber

ویژه<sup>۱</sup> با دادگاه همکاری دارند. هر شعبه دادگاه از ۳ قاضی دائمی و حداکثر ۶ قاضی موقت تشکیل می‌شود. قضات دائمی و ویژه از مزایا و مصونیت‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ برخوردارند. "همچنین، قضات و دادستان نباید از شهروندان یوگسلاوی (و رواندا) باشند" (Romano, Nollkaemper and Kleffner, 2004: 239)

## ۲-۱-۶. نحوه انتخاب قضات دائمی و ویژه و رئیس دادگاه

ابتدا دبیرکل سازمان ملل برای کاندیداهای قضاوت در دادگاه فراخوان می‌دهد. سپس طی یک دوره ۶۰ روزه کشورها کاندیداهای مورد نظر را به‌گونه‌ای که از یک ملیت بیش از دو نفر معرفی نشده باشند، برای عضویت در دادگاه و شعبه تجدید نظر (که به عنوان شعبه تجدیدنظر دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نیز فعالیت خواهد کرد) به دبیرکل معرفی می‌کنند. دبیرکل اسامی کاندیداها را به شورای امنیت ارائه و شورا فهرست کاندیداها را که نباید کمتر از ۲۸ و بیشتر از ۴۲ کاندیدا باشد تأیید و از طریق رئیس شورای امنیت به رئیس مجمع عمومی ارسال می‌کند. ۱۴ قاضی با همان ویژگی‌ها و ضوابط قضات دیوان بین‌المللی دادگستری که اکثریت مطلق آرای مجمع عمومی را کسب نمایند برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. قضات دائمی از میان خود یک رئیس انتخاب و رئیس به اعتبار مسئولیت خود<sup>۲</sup> عضو شعبه تجدیدنظر است.

فرآیند انتخاب قضات ویژه همانند قضات دائمی است. اما چند تفاوت وجود دارد. نخست، رعایت شرایط عادلانه برای کاندیداهای زن و مرد. دوم، فهرست ارسالی شورا به مجمع نباید کمتر از ۵۴ کاندیدا باشد. سوم، توزیع جغرافیایی رعایت شده باشد. چهارم، مجمع عمومی از فهرست ارائه شده ۲۷ قاضی را انتخاب می‌کند. این قضات ویژه انتخابی به تقاضای رئیس دادگاه و از سوی دبیرکل منصوب و مشغول به کار می‌شوند.

نکته‌ای که در این بخش بیان آن ضروری است آن است که در زمان تأسیس دادگاه و از میان ۱۱ قاضی، هیچ‌کدام مسلمان نبودند و از سوی دیگر به‌رغم آن که زنان بیش از دیگران در جنگ بوسنی قربانی نقض فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی بودند تنها دو قاضی زن (بنا به تقاضای کمیسیون مقام زن سازمان ملل) حضور داشتند. "بدین خاطر این تصور وجود داشت که در زمان آغاز کار دادگاه اصل نمایندگی تمدن‌ها و نظام‌های بزرگ حقوقی دنیا مدنظر قرار نگرفته است" (ممتاز، ۱۳۷۷: ۳۹۶). البته در

1. ad litem  
2. ex officio

اصلاح اساسنامه به نقص دوم یعنی رعایت شرایط عادلانه برای انتخاب قضات زن و مرد توجه شد.

گفتنی است شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۹۳۱ مورخ ۲۹ ژوئن ۲۰۱۰ فعالیت ۵ قاضی دائمی شعبه تجدیدنظر را تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۲ تمدید کرد. همچنین، شورا فعالیت ۸ قاضی دائمی و ۱۰ قاضی ویژه را تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ یا تا زمان اتمام کار پرونده‌های اختصاص یافته به آن‌ها، هر کدام که زودتر باشد، تمدید نمود. رئیس کنونی دادگاه پاتریک لیپتون رابینسون (جامائیکا / از سال ۲۰۰۸) می‌باشد.

#### ۲-۶. دادستانی

براساس ماده ۱۶ اساسنامه، دادستان مسئول تحقیق و پیگیری محاکمه متهمان به نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. دادستان به‌طور مستقل عمل کرده و از هیچ کشور یا منبعی راهنمایی یا دستور نمی‌گیرد. دفتر دادستانی شامل دادستان و کارمندان مورد نیاز است.

دادستان از سوی دبیرکل نامزد و توسط شورای امنیت انتخاب می‌شود؛ هر چند این اعتقاد وجود داشت که انتخاب دادستان از جانب مجمع عمومی به استقلال عمل بیشتر او کمک می‌کرد.

دادستان باید از شخصیت اخلاقی بالا، شایستگی و تجربه مناسب در تعقیب و پیگیری پرونده‌های جنایی برخوردار باشد و دوره فعالیت او چهار ساله و قابل تمدید است. کارمندان دفتر دادستانی به پیشنهاد دادستان و انتصاب دبیرکل سازمان ملل مشغول به کار می‌شوند. دادستان کنونی دادگاه سرگی برامرتز استاد حقوق (بلژیک / از سال ۲۰۰۸) می‌باشد.

#### ۳-۶. دبیرخانه

این رکن مسئول امور خدماتی و اداری دادگاه است. مسئول دبیرخانه توسط دبیرکل سازمان ملل پس از مشورت با رئیس دادگاه برای یک دوره چهار ساله قابل تمدید منصوب می‌شود. کارکنان دبیرخانه نیز به پیشنهاد مسئول آن و توسط دبیرکل منصوب می‌شوند. کارکنان دبیرخانه یا دفتر دادگاه از مزایا و مصونیت‌های کنوانسیون ۱۹۴۶ برخوردارند. تعداد کارمندان دادگاه تا ژانویه ۲۰۱۱، ۹۸۸ نفر از ۸۲ کشور مختلف بوده است (<http://www.icty.org/sid/325>).

## ۷. فرآیند رسیدگی دادگاه

### ۷-۱. نحوه رسیدگی

پس از تشکیل پرونده و انجام تحقیقات از مظنونان، قربانیان و شاهدان توسط دادستانی، برای متهمان کیفرخواست صادر و براساس صلاحیت های موضوعی دادگاه در شعب طرح خواهد شد. در صورت تأیید کیفرخواست، قاضی می تواند حکم دستگیری یا انتقال متهمان را صادر کند. در زمان رسیدگی باید حقوق متهمان و شرایط حمایتی از شاهدان و قربانیان رعایت شود. جلسات دادگاه جز با تشخیص قاضی علنی خواهد بود. همچنین، متهمان از حق دادرسی عادلانه و علنی، وقت کافی برای دفاع و حق بهره‌مندی از وکیل برخوردارند.

### ۷-۲. شاهدان و قربانیان

یکی از ویژگی‌های مهم ICTY که حکایت از پیشرفتی بزرگ در حقوق داشت، پیش‌بینی واحد شاهدان و قربانیان<sup>۱</sup> جهت حمایت از آنها (به‌ویژه قربانیانی چون زنان و کودکان) در رسیدگی به پرونده‌ها بود. چرا که این امکان وجود داشت پس از ارائه شهادت از سوی شاهدان یا قربانیان آنان در معرض انتقام‌گیری قرار گیرند. از این‌رو، پیش‌بینی و تجربه این موضوع باعث شد تا ترتیبات حمایتی از قربانیان در اساسنامه ICC نیز افزایش یابد.

در پرونده تادیج موضوع تعادل میان دو حق یعنی حمایت از شاهدان و محاکمه عادلانه مطرح شد. چرا که اگر برای قربانیان و شاهدان اقدامات حمایتی مؤثر تدارک دیده نمی‌شد شاهدان حاضر به ادای شهادت نمی‌شدند (گرکاو، ۱۳۸۸: ۳۷). از جمله تدابیر پیش‌بینی‌شده دادرسی غیرعلنی، حمایت از هویت شاهدان مانند استفاده از نام مستعار، تغییر صدا، شهادت ویدئویی و... بود.

همچنین، اقدام به انعقاد موافقت‌نامه‌هایی با دولت انگلیس درخصوص تغییر مکان شاهدان و اعطای هویت جدید و پناهندگی به قربانیان و شاهدان کرد (Ingadottir, 2003: 23). دولت هلند در زمینه امنیت شاهدان در لاهه مسئول شناخته شد. در سال ۱۹۹۹ دادگاه این واحد را به دو واحد دیگر برای حفاظت و نیز پشتیبانی از شاهدان تقسیم کرد. همان‌گونه که اشاره شد این تجربه باعث گردید اساسنامه ICC نیز اذعان کند دادگاه باید میان دو هدف حمایت از شاهدان و محاکمه

عدالانه تعادل ایجاد کند. تا اوایل سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۶۰۰۰ نفر در ICTY شهادت داده‌اند.

### ۷-۳. مجازات

براساس پاراگراف ۱۱۲ گزارش دبیرکل، مجازات اعدام از مجازات‌های ICTY مستثنی (Shraga and Zacklin, 1994: 379) و در اساسنامه مجازات زندان و جبران خسارت قربانیان پیش‌بینی شد. علت حذف مجازات اعدام به جایگاه بین‌المللی دادگاه باز می‌گشت. بر این اساس مجازات در این‌گونه دادگاه‌ها باید با اصول حقوق بشر مندرج در دومین پروتکل اختیاری پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup> همسویی داشته باشد. "دومین پروتکل پیمان‌نامه مزبور ناظر بر الغای مجازات مرگ است" (ذاکریان، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

از سوی دیگر، در ICTY پیش‌بینی شده بود هرگاه دادگاه به این نتیجه برسد که متهم اموال نامشروعی ناشی از انجام جرم تصاحب کرده است می‌تواند به اعاده آن به مالکش حکم دهد. نظیر این تدبیر در اساسنامه ICC اما به شکلی گسترده‌تر صورت گرفته است.

### ۷-۴. محاکمه غیابی

برخلاف اساسنامه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، امکان محاکمه غیابی<sup>۲</sup> در ICTY وجود ندارد. علت، تضاد این امر با بند ۳ (د) ماده ۱۴ پیمان‌نامه حقوق مدنی و سیاسی است. اما طرح این موضوع در اساسنامه دادگاه با این انتقاد همراه شد که یک متهم با خودداری از حضور در دادگاه می‌تواند مانع دادرسی شود. ضمن آن که در مواردی به علت استنکاف صربستان از استرداد متهمان، اجرای عدالت با تأخیر همراه شد.

### ۷-۵. تجدید نظر و تخفیف و عفو

در تحولی برای دادگاه‌های کیفری، در ICTY امکان تجدیدنظر در احکام شعب دادگاه پیش‌بینی و شعبه‌ای به این منظور در نظر گرفته شد. براین اساس درخواست تجدیدنظر مشروط به اشتباهی پذیرفته می‌شود که باعث نادیده‌گرفتن عدالت شده باشد. این در حالی بود که احکام دادگاه نورنبرگ غیرقابل تجدیدنظر بود. همچنین در دادگاه توکیو

---

1. International Covenant on Civil and Political Rights  
2. in absentia

تنها پیش‌بینی شده بود فرمانده کل نیروهای متفقین می‌تواند مجازات را تخفیف دهد (داوید، ۷۴-۱۳۷۳: ۲۲۱).

گفتنی است پس از تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا و اصلاحات در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، شعبه تجدید نظر ICTY در نقش شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا هم فعالیت می‌کند. در اساسنامه ICC نیز شعبه تجدیدنظر پیش‌بینی شده است. درخصوص تخفیف و عفو مجازات<sup>۱</sup> نیز اساسنامه ICTY موضوع را در چارچوب عدالت و اصول کلی حقوق و در اختیار رئیس دادگاه با مشورت سایر قضات قرار داده است.

#### ۶-۷. همکاری با دادگاه

از آنجا که دادگاه براساس فصل هفتم منشور از سوی شورای امنیت تأسیس و مطابق منشور همه کشورها می‌بایست تصمیمات شورا را بپذیرند، مطابق ماده ۲۹ اساسنامه دولت‌ها باید با ICTY در زمینه متهمان به نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی درخصوص شناسایی محل آنان، اخذ شهادت، بازداشت متهمان، ارسال مدارک و تسلیم یا انتقال متهمان همکاری کنند. در این راستا هیچ دولتی نمی‌تواند تسلیم متهم به دادگاه را منوط به رعایت حقوق داخلی خود کند.

#### ۸. مسائل اداری دادگاه

مقر: مقر دادگاه در لاهه هلند می‌باشد. از این‌رو دولت هلند درخصوص تحویل و نگهداری متهمان، حمایت از شهود در زمان حضور در لاهه و ... دارای مسئولیت است. بودجه: بودجه دادگاه از بودجه عمومی سازمان ملل متحد تأمین می‌شود. بودجه نخستین سال فعالیت دادگاه (۱۹۹۳) ۲۷۶ هزار دلار و دومین سال فعالیت بالغ بر ۱۰ میلیون دلار بود. بیشترین بودجه در نظر گرفته شده برای دادگاه در دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و بالغ بر ۳۴۲ میلیون دلار و بودجه دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۱ دادگاه نیز نزدیک به ۳۰۲ میلیون دلار در نظر گرفته شده است (<http://www.icty.org/sid/325>).

در زمان آغاز فعالیت دادگاه، منابع مالی محدود آن به یکی از موانع انجام وظایف ICTY بدل شد، به‌گونه‌ای که دادگاه مجبور به دریافت کمک از جامعه اروپا شد. این تجربه موجب شد تا در زمان تأسیس ICC درخصوص منابع تأمین مالی آن بحث‌های جدی صورت گیرد.

**زبان کاری:** زبان کاری دادگاه انگلیسی و فرانسوی است. گزارش سالانه: رئیس دادگاه باید هر سال گزارش سالیانه خود شامل کلیه فعالیت‌های بخش‌های مختلف دادگاه را به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کند. نخستین گزارش در سال ۱۹۹۴ و آخرین گزارش در سال ۲۰۱۰ ارائه شده است.

### ۹. فعالیت دادگاه

نخستین جلسه استماع عمومی دادگاه در هشتم نوامبر ۱۹۹۴ در لاهه برگزار شد. ریچارد گلدستون دادستان دادگاه در نطق افتتاحیه خود فعالیت دادگاه را نخستین تلاش سازمان ملل برای اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی دانست. اولین دستور کار دادگاه، احراز صلاحیت رسیدگی به جنایات تادیب بود که پیش از آن یک دادگاه بوسنی او را متهم به ارتکاب نسل‌کشی، قتل و... کرده بود. دراگان نیکولیچ فرمانده اردوگاه صرب‌ها برای مسلمانان نیز نخستین متهمی بود که یک دادگاه بین‌المللی کیفری پس از جنگ جهانی دوم رسماً علیه او اقدام به صدور کیفرخواست به واسطه جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت کرد (گرین وود، ۷۴-۱۳۷۳: ۳۵۷).

اولین حکم دادگاه در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۶ برای دراگان اردموویچ عضو ارتش صرب‌های بوسنی به واسطه مشارکت در قتل عام سربرنیتسا و تنها ۱۰ سال زندان بود. آخرین حکم دادگاه نیز (در زمان نگارش این مقاله) در ۱۵ آوریل ۲۰۱۱ برای آنته گوتووینا (۲۴ سال زندان) ژنرال سابق ارتش کرواسی و همکارانش ملادن مارکچ (۱۸ سال زندان) و ایوان چرماک (تبرئه) به اتهام جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت علیه صرب‌ها صادر گردید.

یکی از مهم‌ترین اقدامات ICTY را می‌توان در صدور کیفرخواست و حکم دستگیری و سپس انتقال و تحویل اسلوبودان میلوسوویچ رئیس جمهور سابق جمهوری فدرال یوگسلاوی از سوی صربستان به دادگاه در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۱ مطرح کرد که به‌عنوان یک تحول مهم در حقوق کیفری بین‌المللی ارزیابی می‌شود. البته این اقدام تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی صورت گرفت. شرکت‌کنندگان در اجلاس اهداکنندگان کمک به جمهوری فدرال یوگسلاوی شروطی برای کمک از جمله تسلیم میلوسوویچ مطرح کرده بودند (Magliveras, 2002: 661-662).

در تحولی دیگر، از اقدامات ICTY در سال ۲۰۰۵ نخست وزیر کوزوو داوطلبانه برای پاسخ‌گویی به اتهام جرایم جنگی به لاهه رفت. اتحادیه اروپا نیز درخواست عضویت کرواسی برای عضویت در اتحادیه را به دلیل ناتوانی در بازداشت افراد تحت تعقیب در

دستور کار خود قرار نداد و در ۲۰۰۶ نیز این اتحادیه گفتگو با مقامات صربستان در مورد توافقنامه‌ای را که پیش‌درآمد پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا بود، متوقف کرد. پرونده رادوان کارادژیچ رهبر صرب‌های بوسنی نیز از موضوعات مهم ICTY است که همچنان در جریان می‌باشد. او طراح قتل‌عام‌های دهه ۹۰ در بوسنی بود که پس از توافقنامه صلح دیتون<sup>۱</sup> در ۱۹۹۶ ناپدید شد. او که در صدر افراد تحت تعقیب توسط دادگاه قرار داشت پس از ۱۳ سال در پی همکاری صربستان با ICTY دستگیر و به لاهه منتقل شد.

البته، موضوع دستگیری و تحویل او از سوی صربستان به دادگاه بین‌المللی به اتهام جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و نسل‌کشی (واقعه سربرنیتسا) نیز با فشارهای سیاسی همراه بود، چرا که مسئله دستگیری و تحویل کارادژیچ و همچنین ژنرال راتکو ملادیچ فرمانده کل ارتش صرب‌های بوسنی، یکی از موانع اصلی در همکاری کشورهای غربی با صربستان از جمله در پیوستن به اتحادیه اروپا بود.

کارادژیچ به عنوان یکی از مهم‌ترین متهمان دادگاه در جریان دفاع از خود با اتخاذ رویکردی متفاوت نه تنها تأخیرهایی را در جریان محاکمه خویش بلکه مشکلاتی برای مدت زمان فعالیت دادگاه نیز فراهم کرده است. به عنوان مثال، او در جریان محاکمه خود یک بار نیروهای سازمان ملل را متهم به قاچاق سلاح به بوسنی کرد. او همچنین برای مشروع نشان دادن اقدامات نیروهای نظامی خود در بوسنی و هرزگووین از جهت اثبات ماهیت نظامی برخی اهداف جنگی، در جلسه دیگری از دادگاه خواهان صدور قرار الزام به ارائه اسنادی شد که در اختیار ایران و برخی کشورها از جمله فرانسه، آلمان، هلند، کرواسی و بوسنی بوده است. او اتهامات مشابهی را علیه بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، انگلستان، ایتالیا و... طرح کرده است. به دنبال درخواست کارادژیچ از دادگاه برای صدور قرار الزام، ICTY از چند کشور دعوت کرد تا در جلسه‌ای با حضور متهم، توضیحاتی درباره دخالت در جنگ بوسنی ارائه کنند.

نماینده آلمان در این جلسه گفت اسناد مورد درخواست متهم ارتباطی با کیفرخواست او ندارد. نماینده فرانسه نیز اعلام کرد به دلایل مرتبط با امنیت ملی خود قادر به ارائه اسناد نیست. نماینده کرواسی نیز آمادگی کشورش را برای پاسخ در این زمینه اعلام کرد. نماینده ایران نیز که در جلسه حاضر بود نسبت به ادعاهای کارادژیچ پاسخ ایران را ارائه کرد. رادوان کارادژیچ خواستار سه دسته سند شده بود: اول؛ همه ارتباطات میان دولت ایران با دولت‌های انگلیس، فرانسه، کرواسی، آلمان و... در مورد

1. Dayton Peace Agreement



عرضه اسلحه برای بوسنی و یا اسنادی که در اختیار این دولت‌ها قرار دارد و تأییدکننده ادعای متهم است. دوم؛ برخی از اطلاعات حمل و نقل دریایی و هوایی در خصوص ارسال سلاح به بوسنی و سوم؛ اسناد مذاکرات نخست وزیر وقت کرواسی در سفر به تهران در ۱۹۹۴ و نیز اسناد مذاکرات علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت ایران در کرواسی (Case No: IT-95-5/18T). نماینده ایران در پاسخ به چند نکته اشاره کرد. از جمله؛ با اشاره به شرایط آئین دادرسی دادگاه مبنی بر ضرورت معین بودن اسناد درخواستی و ارتباط آن با کیفرخواست و تصمیم‌گیری عادلانه، درخواست کارادژیچ را مغایر آئین دادرسی دادگاه دانست و به‌رغم این نکته اعلام کرد ایران در آرشیو خود جستجوی لازم را انجام داده اما اسناد مورد اشاره کارادژیچ را پیدا نکرده است.

در نهایت، دادگاه در رأی ۹ ژوئن ۲۰۱۰ خود با استناد به رویه قضایی خود و نیز یافته‌های پیشین در مورد ادعای متهم مبنی بر اتهام دخالت نیروهای سازمان ملل در قاچاق اسلحه و پذیرش استدلال‌های ایران، درخواست رادوان کارادژیچ را رد کرد (Case No.: IT-95-5/18-T).

یکی دیگر از مهم‌ترین و جدیدترین موضوعات در دستور کار دادگاه، محاکمه راتکو ملادیچ فرمانده کل ارتش صرب‌های بوسنی و یکی از عوامل اصلی جنایت‌های گسترده در جنگ خونین بوسنی است. او عالی‌رتبه‌ترین مقام فراری از زمان تحویل کارادژیچ به دادگاه محسوب می‌شد که پس از ۱۰ سال زندگی مخفی، در ۲۵ می ۲۰۱۱ در روستایی در شمال بلغراد دستگیر و پس از حکم دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی در صربستان به ICTY مسترد شد. در کیفرخواست او اتهاماتی مانند نسل‌کشی (در سربرنیتسا)، شکنجه، قتل، پاکسازی قومی، آدم‌ربایی، اخراج اجباری و... به چشم می‌خورد. دستگیری او از چنان اهمیتی برخوردار بود که رئیس‌جمهور صربستان، دبیرکل ناتو و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، این اقدام را گامی مهم برای آشتی در صربستان و منطقه و اجرای عدالت بین‌المللی خواندند.

سازمان عفو بین‌الملل نیز بازداشت او را گامی عمده در اجرای عدالت برای قربانیان جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در بوسنی و هرزگوین نامید. این سازمان همچنین از مقام‌های صربستان خواست تا برای دستگیری گوران هادزیچ، صرب کروات نیز اقدام کنند (Amnesty International, 2011). نخستین جلسه محاکمه ملادیچ پس از تحویل به ICTY - که یکی از شرایط اصلی پذیرفته‌شدن تقاضای عضویت صربستان در اتحادیه اروپا بود - در سوم ژوئن ۲۰۱۱ بود.

در مجموع، تاکنون حدود ۱۶۱ پرونده برای سران حکومت، نخست وزیران، مقامات نظامی، وزرا، نظامیان، رؤسای پلیس و... به واسطه جنایات ارتكابی از ۱۹۹۱ تا

۲۰۰۱ علیه اعضای گروه‌های نژادی مختلف در کرواسی، بوسنی و هرزگووین، صربستان، کوزوو و مقدونیه تشکیل شده است. در حالی که پیش از این در چارچوب استراتژی تکمیل<sup>۱</sup> ICTY مقرر بود فعالیت دادگاه تا سال ۲۰۱۰ پایان یابد، اما براساس برنامه جدید، انتظار می‌رود چهار پرونده در سال ۲۰۱۱، پنج پرونده در سال ۲۰۱۲ و پرونده رادوان کارادژیچ در سال ۲۰۱۳ پایان یابد و با اتمام تمام تجدیدنظرها کار دادگاه در سال ۲۰۱۴ خاتمه پیدا کند (<http://www.icty.org/sections/Aboutthe ICTY>). هر چند احتمال تمدید مجدد این زمان وجود دارد. ادامه فعالیت دادگاه فراتر از زمان پیش‌بینی شده در سال ۲۰۱۰ به قطعنامه شماره ۱۹۶۶ شورای امنیت درباره سازوکار بین‌المللی پرونده‌های باقی‌مانده دادگاه‌های کیفری<sup>۲</sup> (یوگسلاوی سابق و رواندا) بازمی‌گردد.

براساس این قطعنامه هر دو دادگاه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ فعالیت خواهند کرد، ضمن آن که شورا از دادگاه‌ها خواسته است که برخی از پرونده‌ها را به صلاحیت‌های ملی احاله نمایند.

### نتیجه‌گیری

بررسی نحوه تشکیل و فعالیت‌های ICTY و پیامدهای آن بر حقوق بین‌الملل از آن جهت اهمیت دارد که این دادگاه نخستین دادگاه بین‌المللی کیفری پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو است. با توجه به شرایط خاص شکل‌گیری دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، نحوه تشکیل دادگاه یوگسلاوی سابق و مبنای حقوقی تأسیس آن و صلاحیت‌های پیش‌بینی شده برای دادگاه و آرای صادره آن نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل معاصر و شکل‌گیری و تدوین اساسنامه نهایی دیوان کیفری بین‌المللی داشت.

براساس فعالیت ICTY جایگاه جنایات جنگی به نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در درگیری‌های داخلی در اساسنامه ICC گسترش یافت. در نتیجه کار دادگاه، کاربرد سلاح‌های سمی جرم تلقی شد، تعاریف دقیقی از شکنجه و تجاوز ارائه گردید و جایگاه آن در سلسله‌مراتب حقوقی تعیین شد. ممنوعیت شکنجه در حقوق بین‌الملل شناسایی شد، بر مجازات خشونت جنسی در زمان جنگ تأکید شد، عناصر جنایت نسل‌کشی تعریف گردید و اسارت، آزار و اذیت به عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی شد و تأثیر این موضوعات به عنوان جنایات بین‌المللی در اساسنامه دیوان

1. Completion Strategy

2. International Residual Mechanism for Criminal Tribunals

کیفری بین‌المللی غیرقابل‌انکار است. همچنین، نقش آرای دادگاه در آرای سایر دادگاه‌های ملی و بین‌المللی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

اقدام دادگاه در ایجاد واحد شاهدان و قربانیان و حمایت مؤثر از آن‌ها، پیش‌بینی جبران خسارت و تعیین شعبه تجدیدنظر برای اولین بار در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری و تأثیر منابع مالی دادگاه در فعالیت‌های آن و... نیز از جمله مواردی بود که براساس کار ICTY تجربه و شناخته و در تکامل ICC مؤثر بود.

تأثیر نحوه تشکیل دادگاه از سوی شورای امنیت به‌عنوان یکی از شیوه‌های عدالت انتقالی - که موجب شد تا این اختیار برای شورا در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری محفوظ بماند تا بتواند در مواردی که کشورهای اساسنامه دیوان را نپذیرفته‌اند وارد اقدام شود- و رد مصونیت سران حکومت‌ها و دولت‌ها در ICTY به واسطه جنایات ارتكابی را می‌توان در تشکیل سایر دادگاه‌های کیفری موقت و همچنین امروزه در تصمیم‌های شورای امنیت و اقدامات ICC در محاکمه رئیس‌جمهور سودان مشاهده کرد که مصونیت‌های پذیرفته‌شده برای سران حکومت‌ها و دولت‌ها دیگر به‌عنوان مانعی برای رسیدگی به اقدامات ارتكابی زمامداران قلمداد نمی‌شود و در مواردی می‌تواند منجر به حذف جنایت‌کاران از صحنه سیاسی یک کشور (مورد یوگسلاوی سابق) شود.

البته، فعالیت ICTY را نمی‌توان کاملاً خالی از نقد دانست. نبود قضات مسلمان و تعداد کم قضات زن در آغاز فعالیت دادگاه، انتخاب دادستان از سوی شورای امنیت و عدم امکان محاکمه غیابی که می‌توانست با صدور احکام نمادین همراه باشد، تأخیر در محاکمه برخی مقامات ارشد یوگسلاوی سابق، طولانی‌شدن محاکمه میلوسوویچ و مرگ او پیش از صدور حکم، عدم تناسب میان جرایم گسترده و مجازات‌های اعلام شده و... از جمله این موارد است. هر چند که نباید از نظر دور داشت که این دادگاه به‌عنوان نخستین تجربه محاکم کیفری از این سنخ، پیامدهای گسترده‌ای برای یوگسلاوی سابق و جامعه بین‌المللی داشته است. چرا که "با تشکیل این دادگاه بود که شواهد قاطعی مبنی بر همکاری کرواسی با صربستان علیه بوسنی فاش شد" (Sudetic, 2010)، حقایق بسیاری از جنایات رخ داده از جمله محل برخی گورهای دسته جمعی افشا گردید، صدای قربانیان و درد و رنج آن‌ها شنیده شد و با محاکمه جنایت‌کاران به واسطه برخی اقدامات خود اندکی از آلام قربانیان التیام یافت. فعالیت دادگاه به‌عنوان نخستین نسل از این‌گونه دادگاه‌ها باعث شد تا دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا در آفریقا شکل بگیرد، به تسریع در تکوین دیوان کیفری بین‌المللی کمک شود، به تضمین پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری و شناخت گسترده‌تر از حقوق بشردوستانه بین‌المللی یاری برساند، در بازدارندگی در نقض حقوق بشر و محاکمه ناقضان آن ولو به صورت

ناقص کمک کند، قوانین حاکم بر منازعات مسلحانه را ارتقا دهد و حساسیت افکار عمومی و جامعه بین‌المللی را نسبت به موارد مشابه افزایش دهد. تجربه ICTY و همچنین ICC حکایت از آن دارد که پیشبرد قوانین و قواعد بین‌المللی و مقابله با نقض آن‌ها و مجازات ناقضان نیازمند همکاری و مساعدت کشورها و مجامع بین‌المللی است. ضمن آن که توفیق بیشتر این سازوکارها مستلزم عدم بهره‌گیری سیاسی از آن‌ها توسط برخی قدرت‌ها برای پیشبرد اهداف خاص‌شان است. در صورت همراهی کشورها و حمایت آن‌ها از این‌گونه دادگاه‌ها می‌توان به آینده‌ای روشن در رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به واسطه احساس ناامنی زورمداران امیدوار بود. البته تا زمانی که چشم‌انداز مثبتی برای رسیدگی به جنایات اشغالگران در افغانستان، عراق و فلسطین اشغالی به وجود نیاید، امید بستن به تحقق عدالت در صحنه بین‌المللی واقع‌گرایانه نخواهد بود.

## منابع

۱. آسایش، محمدجواد و آقارزی، رضا (۱۳۷۶)، مروری بر تاریخ مسلمانان در یوگسلاوی و جنگ در بوسنی و هرزگووین، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. آل‌حبیب، اسحاق (۱۳۷۸)، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. داوید، اریک (۷۴-۱۳۷۳)، دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ترجمه: مصطفی رحیمی، مجله حقوقی، شماره ۱۸ و ۱۹.
۴. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱)، حقوق بشر در هزاره جدید، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۸)، مفاهیم کلیدی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۶. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۸)، عدالت انتقالی: پایه‌های آرامش قربانیان نقض حقوق بشر، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۲.
۷. رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴)، جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: شماره ۷۰.
۸. سازمان ملل متحد در دنیای امروز (۱۳۸۸)، تهران: نشر آبارون (تهیه: دفتر هماهنگ کننده سازمان ملل متحد در ایران و مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران).
۹. شبت، ویلیام ا. (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه: میرعباسی و حمید الهوئی نظری، چاپ اول، انتشارات جنگل.
۱۰. گوتمان، روی (۱۳۷۳)، شاهدهی بر نسل‌کشی، ترجمه: محمود حدادی، چاپ اول، تهران: مؤسسه اطلاعات.

۱۱. گرکاو، سام (۱۳۸۸)، بزه‌دیدگان در دادگاه کیفری بین‌المللی، ترجمه: حیدر فرهمندفر، تعالی حقوق، شماره ۳.
۱۲. گرین‌وود، کریستوفر (۷۴-۱۳۷۳)، دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، ترجمه: دکتر مهرداد سیدی، مجله حقوقی، شماره ۱۸ و ۱۹.
۱۳. ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، دیوان بین‌الملل کیفری محاکمه متهمین تخلفات عمده حقوق بشردوستانه در سرزمین یوگسلاوی سابق، در: رحمانی، علی و قدس، محمد، بوسنی و هرزگوین، چشم‌انداز آینده، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

14. Birdsall, Andrea (2006), *The International War Crimes Tribunal for the former Yugoslavia - Towards a More Just Order*, Peace, Conflict & Development, Vol. 8.
15. Cassese, Antonio (1999), *The Statute of the International Criminal Court: Some Preliminary Reflections*, The European Journal of International Law, Volume 10, No. 1.
16. De Hoogh, Andre J.J. (2001), *Articles 4 and 8 of the 2001 ILC Articles on State Responsibility, the Tadic case and Attribution of Acts of Bosnian Serb Authorities to the Federal Republic of Yugoslavia*, British Year Book of International Law, Volume 72.
17. Romano, Cesare P. R. André Nollkaemper and Jann K. Kleffner (2004), *Internationalized Criminal Courts: Sierra Leone, East Timor, Kosovo, and Cambodia*, Oxford University Press.
18. Sudetic, Chuck, *Justice for Srebrenica's Dead*, 2010-07-12, at: <http://www.project-syndicate.org/commentary/csudetic2/English>.
19. Case No.: IT-95-5/18-T, *Decision on the Accused's Motion for Binding Order (The Islamic Republic of Iran)*, 9 June 2010, at: <http://www.icty.org/x/cases/karadzic/tdec/en/100609.pdf>
20. Shraga, Daphna and Ralph Zacklin (1994), *The International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia*, The European Journal of International Law, Vol. 5, No. 3.
21. Magliveras, Konstantinos D. (2002), *The Interplay between the Transfer of Slobodan Milosevic to the ICTY and Yugoslav Constitutional Law*, The European Journal of International Law, Vol. 13, No. 3.
22. Milanovic, Marko (2006), *State Responsibility for Genocide*, The European Journal of International Law, Vol. 17, No.3.
23. Baker, Roozbeh (Rudy) B. (2010), *Customary International Law in the 21st Century: Old Challenges and New Debates*, The European Journal of International Law, Vol. 21, No. 1.
24. *Ratko Mladić arrest 'a major step towards justice'*, Amnesty International, 26 May 2011, at: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/ratko-mladi%C4%87-arrest-%E2%80%98major-step-towards-justice%E2%80%99-2011-05-26>.
25. Dixon, Rosalind (2002), *Rape as a Crime in International Humanitarian Law: Where to from Here?* The European Journal of International Law, Vol.13, No. 3.

26. Ingadottir, Thordis (2003), *The International Criminal Court: Recommendations on Policy and Practice (Financing, Victims, Judges, and Immunities)*, Transnational Publishers.
27. Schabas, William A. (2006), *The UN International Criminal Tribunals: The former Yugoslavia, Rwanda and Sierra Leone*, Cambridge University Press.
28. <http://www.un.org>
29. <http://www.icty.org>